

جنگ ایران با این کشور و فتح جزیره هرموز را بیان کرده است. مؤلف، در آغاز کتاب، بخشی را به مقدمات ضروری موضوع اختصاص داده و در آن مواردی را بررسی کرده است؛ از جمله جغرافیای سیاسی ایران در زمان صفویه شامل مرزها، ایالات، جمعیت و حکومت، ایران در دوران صفویه، ارتش ایران در زمان صفویه که کلیاتی درباره ارتش، وضع سواره نظام، توپخانه، روش جنگی، انضباط ارتش، نیروی دریایی، پرچم، آلات موسیقی نظامی، هزینه اداره ارتش مطرح شده است. هم چنین برخی از مشاغل و صاحب منصبان نظامی را بر اساس کتاب تذکرة الملوك توضیح داده است. از جمله وزیر سرکار قورچی، وزیر سرکار غلامان، وزیر تفنگچیان، وزیر توپخانه، افسر ارشد قورچی باشی، تفنگچی آقاسی، قوللر آقاسی، توپچی باشی، افسر جزء، حمل و نقل در ارتش، وضع ارتش در زمان صلح. این کتاب، در سال ۱۳۵۳، در انتشارات ستاد سابق بزرگ ارتشتاران منتشر شده است.

منبع

بیانی، خانابا (۱۳۵۳). تاریخ نظامی ایران دوره صفویه، تهران، ستاد سابق بزرگ ارتشتاران.

تاریخ نعیمما

(روضه الحسین فی خلاصة اخبار الخاقین). تاریخ نامه دودمانی

عثمانیان، اثر نعیمما، در قرن ۱۲ ق.

نعیمما این کتاب را که شاخص ترین و مهم ترین اثر تاریخی او است و وقایع سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۰۷۰ ق را دربر می گیرد به سفارش و توصیه عمجه زاده حسین پاشا تألیف کرده و در آن، ضمن تنظیم و ترتیب مسوده تاریخ عثمانی شارح المنارزاده احمد افندی، مطالبی نیز به آن افزود. این کتاب، اثری است دقیق و پرنکته چراکه مؤلف بطن حوادث تاریخی را به خوبی روشن کرده است. تاریخ نعیمما بعدها به عنوان یک اثر مرجع مورد استفاده مورخان بعدی قرار گرفت. مقدمه این اثر که با استفاده از آثار مورخان بزرگی نظیر ابن خلدون و عالی و کاتب چلبی نوشته شده است، دارای ارزش و اهمیت خاصی است از آن روی که مؤلف در مقدمه، دیدگاه های دانشمندان مختلف درباره تاریخ و فلسفه تاریخ را به خوبی توضیح و

شبیخ خان اوزبک که به جنگ مرو شهرت دارد؛ جنگ های شاه طهماسب اول با عییدالله خان اوزبک؛ جنگ های شاه عباس اول با عبدالؤمن خان و جنگ های شاه صفی با اوزبک ها. در مبحث جنگ های ایران و هند نیز ابتدا، با بیان مختصری از تاریخ هند مقارن دوران صفویه، روابط دو کشور را در آن زمان مطرح کرده و آن گاه به قندهار و اوضاع جغرافیایی و تاریخی آن پرداخته است. زیرا یکی از موارد مهم اختلاف میان ایران و هند بر سر قندهار بوده است. دست به دست شدن قندهار در خلال دوران صفویه میان دو کشور ایران و هند در واقع اساس روابط دو همسایه را تشکیل می دهد که در این بخش بررسی شده و به ویژه به فتح قندهار به دست شاه طهماسب اول و شاه عباس اول و سرانجام شاه عباس دوم اشاره شده که تا پایان صفویه، که از همین نقطه افغانه حمله کردند و این سلسله را منقرض کردند، در دست صفویه ماند.

آخرین بخش کتاب جنگ ایران با دولتی اروپایی است که در اواخر قرن ۱۵ م وارد شبه قاره هند شد و سپس از آن طریق به خلیج فارس آمد و با تصرف هرموز در ارتباط با ایران عصر صفویه قرار گرفت و آن دولت پرتغال بود. این دولت در اواخر قرن ۱۶، که فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا و پرتغال شد و تمام مستملکات آن کشور را ضمیمه امپراتوری اسپانیا کرد، تا مدتی یک کشور محسوب می شد. پرتغالی ها، پس از ورود به خلیج فارس و دست اندازی به جزایر و بنادر جنوب ایران، به سبب برتری نیروی دریایی و این که صفویان فاقد قوه بحریه برای مقابله با آنها بودند و هم چنین مشکلات داخلی صفویه در قرن ۱۰ ق، با جنگ های متعدد با عثمانی ها و اوزبکان توانستند به مدت یک قرن قدرت بلامنازع در خلیج فارس باشند و مشکلاتی را نیز برای ایران به بار آوردند. تا این که سرانجام شاه عباس اول به کمک کشتی های جنگی کمپانی هند شرقی انگلیس قادر شد در طی جنگ هایی آن ها را شکست دهد و از جزیره هرموز اخراج کند. بنابراین، در این بخش مؤلف، ضمن یک مقدمه تاریخی درباره تغییر اوضاع اروپا و روآوری کشورهای اروپایی به شرق، به روابط ایران با پرتغال و اسپانیا پرداخته و سپس

ابوسهل صالحزاده نعمان افندی. در ۱۱۶۶ ق در مغنیا سمت قضاوت داشته است. مدتی نیز در کمیسیون تجدید حدود عثمانی با اتریش حضور داشت (ششن، ۱۳۹۱، ص ۳۶۱).

آثار

تدبیرات پسندیده در شرح لشکرکشی عثمانی به کریمه، و مجارستان و ایران در ۱۱۵۲ ق که به سبب حضور نویسنده در این سفر جنگی، از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه کوچک افندی موجود است و در مقدمه آن کتاب، مختصری از شرح احوال خود را آورده است و در بخش پایانی آن تاریخچه‌هایی با عناوین صلح‌نامه ایران و صلح‌نامه موسقو (مسکو) را آورده است؛ آلت اماله در فن مساحی؛ آثار متعددی نیز در علم ریاضی (Oriente Moderno, vol. III, p 155).

منابع

ششن، رمضان (۱۳۹۱). «مورخان عثمانی»، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام. Oriente Moderno, Editor-in-chief: Claudio Lo Jacono, Istituto per l'Oriente C.A. Nallino, Rome.

نعیما

(حلب ۱۰۶۵ ق - پاتراس ۱۱۲۸ ق). تاریخ‌نگار، وقایع‌نویس رسمی عثمانی در قرن ۱۲ ق.

مصطفی افندی حلبی معروف به نعیم. پس از مهاجرت از حلب به استانبول در ۱۱۰۰ ق، وارد اجاق اسکی‌سرای بالطه‌جی‌لر شد. در این اثنا، در درس‌هایی که در جامع بایزید ارائه می‌شد حضور پیدا کرد و در زمینه ادبیات، نجوم و غیره دانش اندوخت و در خدمت قلالیلی قوز احمدپاشا به مرتبه کاتبی دیوان ارتقاء یافت. پس از آن به خدمت عمجه‌زاده حسین‌پاشا که علاقه وافری به تاریخ داشت، درآمد. او که مسوده تاریخ عثمانی شارح‌المنارزاده احمدافندی را در اختیار داشت، آن کتاب را به نعیم داد و او را موظف به نوشتن تاریخ عثمانی کرد. نعیم پس از این مأموریت که در حدود ۱۱۱۱ ق بود، به طور جدی با تاریخ و تاریخ‌نگاری درگیر شد. او بخش‌های نخست تاریخ عثمانی را تألیف کرده و به عمجه‌زاده حسین‌پاشا صدراعظم تقدیم

۶، جزء ۱۱۳، ص ۳۸۷). او در خزینة مالیه بغداد، عهده‌دار منصب روزنامه‌چی خلیفه بود. نظمی‌زاده در زمینه‌های تاریخ، دین، نجوم، ادبیات آثار متعددی تألیف و ترجمه کرده، اما بیش از هر چیز به ترجمه از دو زبان عربی و فارسی به ترکی شهرت دارد (ششن، ص ۳۴۳).

آثار

گلشن خلفا؛ ترجمه تاریخ تیمور (چاپ: ۱۲۷۷ ق، با عنوان تیمور گورکان) به فارسی که ترجمه کتاب عربی عجایب‌المقدور فی اخبار تیمور ابن عربشاه است؛ تذکره اولیای بغداد یا جامع‌الانوار فی مناقب الأخیار، که محتوی تراجم احوال اولیا و اکابر مدفون در بغداد و اطراف آن است و هنوز چاپ نشده است. این اثر به دست احمد بن حامد فخری‌زاده موصلی از ترکی به عربی ترجمه شده است (بروکلمان، همان‌جا)؛ ذیل سیر، که ذیلی است بر سیر نابی و ویسی؛ شرح قصیده فرزدق، که شرحی است بر قصیده معروف شاعر مشهور عرب، فرزدق، در مدح حضرت امام زین‌العابدین (ع)، که در مکه مکرمه، بداهه سروده بوده است؛ ترجمه طبور جارحه و ضواری صابیده؛ شرح شواهد مغنی‌اللیب، که شرحی بر اثر معروف مغنی، در علم نحو است؛ شرح لغات تاریخ و صاف، که شرح و توصیف لغات و عبارت معلق تاریخ و صاف است؛ ترجمه کتاب فضائل الخیل؛ منشآت، که حاوی تحریرات و مکتوبات مؤلف است؛ ترجمه قابوس‌نامه، که این اثر نخستین بار در دوران مراد دوم به دست مرجمل احمد بن الیاس، در سال ۸۲۵ ق، به ترکی ساده ترجمه شده است. نظمی‌زاده بار دوم این اثر را به امر والی بغداد، حسن‌پاشا، در سال ۱۱۱۷ ق، به ترکی ترجمه کرده است (ششن، ص ۳۴۴)؛ دیوان اشعار؛ کنز‌العارفین؛ هیئت سنیه؛ رساله ربیع و حبیب.

منابع

بروکلمان، کارل (۱۴۲۹ ق). تاریخ‌الادب‌العربی، ترجمه عربی غریب محمد غریب و دیگران، قم، مؤسسه دار‌الکتاب‌الاسلامی، ج ۶، ششن، رمضان (۱۳۹۱). «مورخان عثمانی»، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

نعمان افندی

دانشمند، ریاضی‌دان، مساح، تاریخ‌نگار عثمانی در قرن ۱۲ ق.

NAİMÂ'YA GÖRE
XVII. YÜZYIL
OSMANLI TOPLUM YAPISI

Doç. Dr. Zeki ARSLANTÜRK

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	54269
Tas. No:	301-495607 ARS. N

Istanbul - 1997

ayıgıgıkitapları

Nâci, *Nâilî-i kadîm* (*Mecmua-i Muallim*, 1306, sene 2, s. 217); ayn. mll., *Esâmî* (İstanbul, 1308), s. 312 v.d.; Tevfik Fikret, *Harâbâtan bir sahife* (*Servet-i fûnûn*, 1314, XVI, 71); İbrahim Kutluk, *Nâilî-i Kadîm'in hayatı ve karakteri* (*Ülkü mecn.*, 1949, 3. seri, sayı 34); Mükerrrem Merzifonluoğlu, *Nâilî-i kadîm ve gazellerinin tetkiki* (Edebiyat Fakültesi, Türkoloji me'zûniyet tezi, 1950/1951, Türkiyat Enstitüsü kütüp., tez nr. 362); Mehmed Fuad Köprülü, *Divân edebiyatı antolojisi* (İstanbul, 1934); Sâdeddin Nüzhet Ergun, *Tanzimata kadar muhtasar türk edebiyatı* (İstanbul, 1931), s. 364; ayn. mll., *Neşâtî, hayatı ve eserleri* (İstanbul, 1933), s. XVII; Cevdet Canbulat, *Nâilî'den şiirler* (İstanbul, 1952).

(HALÜK İPEKTEN.)

NA'İMÂ. [Bk. NAİMÂ].

NAİMÂ. NA'İMÂ (1655 — 1716), Osmanlı müverrih ve vak'anüvisi olup, asıl ismi Mustafa, mahlası Na'im'dir; *Tarih*'inde bu mahlas *Bende-i bîkes Na'im* ve *Dâi-i fakîr Mustafa Na'im*, şiirlerinde bâzan Na'im ve icâp ettikçe, Na'imâ şeklinde geçer (*Na'imâ, Tarih*, I, 10; VI, *Feyzullah Efendi vak'ası*, s. 2; *Safâî, Tezkire*, 233^a). Devrinin vesika ve tarihlerinde (msl. Ahmed Refik, *Menfâda Na'imâ Efendi*, s. 52—55; ayn. mll., *Hicri XII. asırda İstanbul hayatı*, s. 52 v.d.; Râşid, *Tarih*, II, 533; IV, 35) her zaman Na'imâ şekli görülmekte ve müverrih dâimâ bu isim ile tanınmaktadır. Ona bu mahlasın Divân-ı hümayûn kaleminde verilmiş olduğu ileri sürülürse de, âilesi tarafından Mustafa Na'im tesmiye edilmiş veya kaleme intisâbından önce bizzat kendisi tarafından alınmış olması dahi düşünülebilir (krş. Ahmed Refik, *Âlimler ve san'atkârlar*, s. 258).

Mustafa Na'imâ Efendi Halep'de ve rivâyete göre, 1065 (1655)'te doğmuş, genç iken İstanbul'a gelerek, 1100 (1688)'de Sarây-i atik teberdârânı (baltacılar) ocağına girmek suretiyle hizmete başlamıştır. Na'imâ'nın küçük yaştan beri ilme hevesli olduğu ve memleketinde başladığı tahsile saraya intisâbından sonra da devam ettiği, bir kayda göre de, Bayezid câmi derslerini tâkip eylediği anlaşılmaktadır (Sâlim, *Tezkire*, s. 681 v.d.; Şehri-zâde Said, *Neuvepdâ*, 21^a; Cemâleddin, *Osmanlı tarih ve müverrihleri*, s. 43; Atâ, *Tarih*, III, 36 v.d.). Muhtelif ilimlerden başka, edebiyata, nücûma ve bilhassa tarihe büyük bir alâka gösteren Na'imâ teberdârân ocağından divân-ı hümayûn kâtipleri silkinde girmek üzere çırâğ edildiği zaman, kendisi gibi aynı ocaktan yetişme Kalaylı-Koz Ahmed Paşa'ya intisap edip, ona divân efendisi oldu. Daha

sonra sadrazâm Amca-zâde Hüseyin Paşa ile münâsebet peydâ ederek, ilim ve irfân erbâbını himâye eden ve tarihe meraklı olan bu zâtın teveccühünü kazandı. Hüseyin Paşa, Şârih ül-Menâr-zâde Ahmed Efendi'nin yazdığı tarihin müsveddelerine mâlik idi; Na'imâ'yı henüz tebyiz ve tertip edilmeyen bu müsveddeler esâs tutulmak üzere, bir eser te'lifi ile vazifelendirdi. Na'imâ'nın vak'anüvisliğe tâyinini bu hâdise ile alâkalı saymak mümkündür (*Na'imâ, Tarih*, I, 8 v. dd.). Ahmed Refik Bey (*Na'imâ*, s. 6) bu tâyini 1700 senesi olarak kabul etmiştir. Müverrihi himâye edenler arasında meşhûr şâir ve reisülküttâb Râmi (Paşa) ve Rumeli kazaskeri Yahyâ Çelebî (aslen halebli olan Hekimbaşı-zâde olmalıdır) Efendi'ler de bulunuyordu. Râmi Efendi pek takdir ettiği Na'imâ'ya İstanbul gümrüğünden günde 120 sağ akçe vazife tâyin ettirmiş idi. Müverrihi sadrazâma tanıtanın da bu zât olması pek mümkündür (Şehri-zâde, *göst. yer.*). Na'imâ'nın o devirdeki ricâl tarafından itibâr görmesine bir sebep de, nücûm ilmindeki vukûfu ve zâyîçeler tertibindeki mahâretidir. Na'imâ Efendi, Amca-zâde Hüseyin Paşa'nın arzusu vechile kaleme aldığı ve hâmisine ithâf ettiği tarihinin bir kaç cüz'ünü takdim edince, sadrazâm ona câize olarak, bir kese kuruş ile İstanbul gümrüğü mukataasından yevmî bir kuruş vazifenin berâtını gönderdi (berâtın Edirne'den gelişi 17 rebiülevvel 1114 = 11 ağustos 1702'ye rastladığı Na'imâ'nın ifâdesinden alınmıştır. Şehri-zâde, 216; Râşid, *Tarih*, II, 533'te para, üçer akçeden olmak üzere, yevmî 120 akçe) ve tarihin tamamlanmasını emretti. Amcâ-zâde'nin infisal ve vefatından sonra, Edirne vak'ası neticesinde, Mustafa II.'nin hal'inden mütevellit karışıklığı bertaraf eden Dâmad Hasan Paşa da tarihin faydalarını ve Na'imâ'nın değerini müdrik bir sadrazâm olduğundan, vak'anüvisten eserini yürüterek kendi zamanına kadar getirmesini istedi; o da mârûf tarihinin devamını kaleme almağa başladı. Dâmad Hasan Paşa'yı sadârette Kalaylı-Koz Ahmed Paşa'nın istihlâf etmesini (28 cemâziyelevvel 1116 = 28 eylül 1704) Na'imâ için tâlih eseri saymak lâzımdır. Bu sırada kızlar-ağası Uzun Süleyman Ağa'nın kâtibi, yâni haremeyn evkafı yazıcısı olup, teberdârân ocağından yetişmiş bulunan Muşkara (Nevşehir)'lı İbrahim Efendi (Dâmad İbrahim Paşa) Na'imâ Efendi ile öteden beri dostâne bir münâsebet devam ettirmekte ve yeni sadrazâma zâten âşinâsı olduğu vak'anüvisi medh ü senâ eylemekte idi. Na'imâ bu sâyede Anadolu muhâsebeciliğine tâyin edilmiş ve kendisine hâcegânlık rütbesi de, ihtimâl

İSLÂM ANSİKLOPEDİSİ

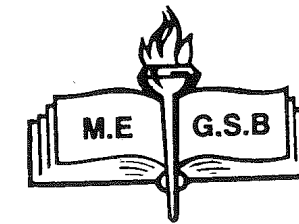
İSLÂM ÂLEMİ TARİH, COĞRAFYA, ETNOGRAFYA VE BİYOGRAFYA LUGATI

MİLLÎ EĞİTİM BAKANLIĞININ KARARI ÜZERİNE
İSTANBUL ÜNİVERSİTESİ EDEBİYAT FAKÜLTESİNDE
A. ADIVAR, R. ARAT, A. ATEŞ, İ. KAFESOĞLU, T. YAZICI
TARAFINDAN

LEYDEN TAB'İ ESAS TUTULARAK
TELİF, TADİL, İKMAL ve TERCÜME SÖRETİ İLE
NEŞREDİLMİŞTİR

9. CİLT

NABA'—RÜZZİK



İSTANBUL
MİLLÎ EĞİTİM BASIMEVİ

1988

Türkiye Diyanet Vakfı	
İslâm Araştırmaları Merkezi	
Kütüphanesi	
Prof. Dr. Nihad M. ÇETİN Bölümü	
Demirbaş No:	347-10
Tasnif No:	

Not: Konu 213-225 sayfalar arasındadır.

ك-13

مُفَكِّرُوِ الْإِسْلَامِ

- ١ -

تأليف

البارون كار دوقو

نقله الى العربية

عادل زعبيتر

١٩٦٩ القاهرة

Türkçe Deyişme Vakfı	
(1971) İstanbul	
5067	
921	
Tasfi	006.11

Nāima

ترك حوليون ، مؤرخون سابقون
سعد الدين ، قصة عن فتح القسطنطينية ،
نعيمًا ، مؤرخ للبحرية التركية ،
حاجي خليفة ومذكرات بارباروس

للعثمانيين سلسلة من الحوليين الكثيرة الرشاقة، والذين هم أدباء أكثر من مؤرخي العرب بدرجات، واتفق للعثمانيين عدد من هؤلاء باكرًا، ومنهم نذكر أحمد بن يحيى الذي ألف للترك تاريخاً يبدأ من زمن أورخان، وفي عهد بايزيد الثاني ألف مولانا إدريس البتليسي ونشري تواريخ قومية وفق الذوق الفارسي، وأكبر حولي تركي هو مؤلف «تاج التواريخ»: سعد الدين الذي سنتكلم عنه، ويمتد تاريخه إلى سليم الأول (٩٢٦ هـ)، وألف پشاوي تاريخ ما بين سنة ٩٣٠ هـ. وسنة ١٠٤٩ هـ. ويطلق هذا عهد سليمان ومراد الرابع، وألف قره چلبی زاده (سليمان نامه)، وهو تاريخ لسليمان القانوني، كما ألف كتاب «روضة الأبرار» الذي هو أثر تاريخي ذو قيمة، وألف السلانيكي تاريخاً عثمانياً من عهد سليمان حتى سنة ١٠٠٠ هـ. وألف كمال باشا زاده، الذي كان يعيش في عهد سليم الأول وعهد سليمان «تاريخاً لآل عثمان» راوياً خبر معركة «مهاقر» التي وقعت سنة ١٥٢٦، ونعياً مؤرخ ما بين سنة ١٠٠٠ وسنة ١٥٧٠ (١٥٩١ - ١٦٥٩ م.)، وهذا تاريخ لعهد مراد الثالث والفوضى التي عقبته، ويعقب رشيد أفندي «نعيمًا»، ويتناول أثره

BOĞAZICI ÜNİVERSİTESİ
DERGİSİ

Hümaniter Bilimler — Humanities

Vol. 1 - 1973

NAİMÂ, KÖPRÜLÜ, AND THE GRAND VEZIRATE

Metin Kunt

One of the most famous stories in Ottoman history is the account of the appointment of Köprülü Mehmed Paşa in 1656.¹ This story, first told in the early eighteenth century by the historian Naïmâ, relates that Köprülü entered into a contractual agreement with the sultan when he was appointed grand vezir. Naïmâ's account has been repeated by most subsequent historians of the Ottoman Empire, both by such Ottomans as Mustafa Nuri Paşa, Aîâ, and Ahmed Râsim, and also by European Ottomanists including von Hammer and Jorga.² More recently Naïmâ's story has appeared in Uzuncarşılı's history and in the article on «Köprülüler» in the *İslâm Ansiklopedisi*,³ and has thus gained a very secure place in Ottoman historiography. The story is not only popular among scholars, but it is also one of the few «facts» of Ottoman history that Turkish students retain after their schooling. Yet, on a closer reading of Naïmâ, there appear to be sufficient grounds on which to suspect the authenticity of this long accepted «fact».

In the following section I shall attempt to analyse Naïmâ's account and submit that it should not be taken as the literal truth. In later sections this article also raises a more general question. For too long now the particular event or person has been overemphasized in Ottoman historiography. Consequently, our understanding of general trends and developments has suffered. Naïmâ's story of Köprülü's appointment is an example of such particular events. The incident has generally been considered as the extraordinary beginning of Köprülü's extraordinary career as grand vezir, indeed of the whole Köprülü era. But even if the Naïmâ story were to be accepted literally, it should be interpreted not as a unique event but as a part of a general seventeenth-century trend towards restoring the traditional authority of the grand vezir. There are significant precedents within this trend which cannot be overlooked in a consideration of Köprülü's term of office.

*

**

Mehmed IV was seven years old when he came to the throne in 1648. His father, Ibrahim I, had been deposed and murdered in a janissary uprising with the sanction of the *ulema*. Political chaos, both in the capital and in the provinces, plagued the first eight years of Mehmed IV's reign. This is usually attributed to the fact that the child-sultan was unable to take control of his empire. Theoretically, the Ottoman political system was capable of handling the situation if and when the sultan, the kingpin of the system, was unable to assume his full duties. The grand vezir, as his absolute deputy, and the



26 OCAK 1995

215. ABDEDDİN B. ABDURRAHMÂN

Abdeddîn, Şeyh Abdurrahmân'ın oğludur ve kendine Sıvâsî demesinden Sivas'lı olduğu anlaşılmaktadır. 1118/1706 yılında o zamanki Mısır Valisi ve hemşerisi Abdi Paşa'ya ithaf etmiş olduğu *Tarih-i acâ'ib-i Misr* (H. K., Nu. 14549) yahut kısaca *acâ'ib-i Misr* adlı bir eser yazmıştır. Bildirildiğine göre bu eser farsçadır.

YAZMALAR : Bilinmiyor.

KAYNAKLAR : H.K., Nu. 14541 ve OM, III, 172, 6. aş., buna göre eser farsça yazılmıştır.

216. MEHMED B. YÛSUF

Mehmed b. Yûsuf *el-hallâk* (yani berber)¹'in hayatı hakkında bir şey bilinmez, ancak Hanîfzâde, (H. K., Nu. 14542'de) ye göre 1123/bş. 11.II.1711 yılında, Kahire'nin I. Selim zamanından başlayan ayrıntılı bir türkçe tarihini yazmıştır. *Tarih-i Misr-i Kâhire* adını taşıyan bu eserin iki tanınmış yazması 1128/1716 (1130/1718) veya 1126/1714 yıllarına kadar gelmektedir.

Bundan başka arapça, içindekiler yukardakinin aynı olan, *Tuhfet el-ahbâb bimen melek Misr min el-mulûk ve'l-nûvvâb* adlı bir eser yazmıştır. Türkçe eserin bu arapçasının tercümesi olması pek muhtemeldir.

YAZMALAR : A) *Tarih-i Misr* : Viyana, Milli Küt., Nu. 936 ve Nu. 937 (Parça) (Flügel, *Katal.*, II, 161 v.d.); Stokholm, Kırâliyet Küt., Nu. 75 (Riedel, *Katalog*, 49); Paris, Milli Küt., *suppl. turc* Nu. 512.- B) *Tuhfet el-ahbâb* : Petersburg, Şark. Enst., Nu. 58 (V. v. Rosen, *catalog.*, 30).

KAYNAKLAR : Brockelmann, *GAL*, II, 298 ve Yazma Katalogları.

217. MUSTAFÂ NA'İMÂ

Na'imâ diye anılan Mustafâ Na'im Halep'te doğmuştur. 1100/bş. 26.X.1688'de sultan sarayında türbedar olduktan

¹ Hallâk meslek adı her hâlde babası Yûsuf'a ait olmalıdır. Yani "Berber Yûsuf oğlu".

sonra sadırazâm Kalâyîkız Ahmed Paşa zamanında Divan Kâtipliğine yükselmiştir. 28. Cumada I. 1116/28.IX.1704'de Anadolu Muhasebe Kalemine Halife olmuş ve 1121/1709 yılında Ni'meti Efendi'nin yerine teşrifatçı başı ve aynı zamanda vakanüvis tayin edilmiştir. Receb 1125/Temmuz 1713'de Defteremini, 1126 ortası/1714 Ocağında Baş Muhasebe Kalemine halife ve 28. Sefer 1127/4. Mart 1715'de Silâhdâr kâtibi olmuştur. Mora seferi sırasında Serâşker Kethudası iken 1128 yılı başında/1716 Ocağında Patras'da ölmüş ve orada gömülmüştür. Bu gün yeri yitmiş olan bir camiin avlusuna gömülmüştür. Mezar taşı için bk. OM, III, 151 aş.

Resmî bir vazife ile yazmış olduğu Osmanlı ülkesi tarihi cüretkâranedir. Karaçelebizâde (bk. Nu. 175), Hüseyin Vecihî (bk. Nu. 177), Ahmed Şârihülmenârzâde (bk. Nu. 170), ve Hacı Kalfa (bk. Nu. 173) gibi tarihçilerin eserlerinden yararlanmıştı. Eser 1000/bş. 9.10.1591-1070/bş. 8.IX.1659 yıllarını içine alır. Çok okunan bu eserin asıl adı *Ravzat el-huseyn fi hulâsat ahbâr el'hâfikeyn*'dir; H. K., Nu. 14525'de kısaca *Tarih-i vekâ'i*.

Na'imâ bundan başka bir kaç siyasî risale (*Resâ'il-i siyasiyye*) yazmıştır. Bunlar yazma bir mecmuada bulunmaktadır.

YAZMALAR : A) *Na'imâ Tarihi* : Berlin, Devlet Küt., or. 2° 3115 (Tam değil); Roma, Vatikan Küt., Nu. 6566 (Bk. ZDMG, LI, 48; birinci basımın kopyasıdır); Paris, Millî Küt., *anc. fds. turc* Nu. 76 ve *Suppl. turc* Nu. 59; Londra Royal As. Soc. (Bk. JRAS, 1892, 548, Nu. 12); Lund, Üniv. Küt., Nu. 60 (Tam değil); Kahire, TK., 205; İstanbul, Nuri Osmanîye, Nu. 3160/1; Umumiyye, Nu. 4917/8; Ragıb Paşa, Nu. 996; Hamidiyye, Nu. 916; Damat İbrahim Paşa Nu. 1442/5; Esad Ef., Nu. 2439; Selimiyye, Nu. 464; Halet Ef., Nu. 772/3.- *Na'imâ tarihi*'nin yazmalarının çoğu İstanbul ilk basımının kopyalarından ibarettir.- B) *Resâ'il-i siyasiyye* : İstanbul, Esad Ef.

BASIMLAR : Birinci Yayın : *Tarih-i Na'imâ*. I. Cild.: 6. ypr. Önsöz, 6 ypr. fihrist, 701 S. fol., İstanbul, Muharrem ortası 1147.- II.

lediği bilinen bir gerçektir. Kaynakları bol, imkânları geniş zengin ülkeler aşırı tüketimin (bir anlamda savurganlığın) olumsuz etkilerini masedebileceği güce sahiptirler. Aşırı tüketim, güçlü bir ekonomi içinde önem taşımaktadır, fakat hayatî bir önemi yoktur. Ürettiğinden fazla tüketen Türkiye için ise durum tamamen farklıdır. Hayatî önemi olan aşırı tüketimin kısılması hususunda iktisadî tedbirler tek başına yetersiz kalacaktır. Kitle haberleşme araçlarının geliştiği ve çeşitli sosyal ve kültürel etkilerin derinleştiği çağımızda, sanayileşmiş Batı toplumlarının yüksek tüketim standardına sahip yaşama tarzına toplumumuzun gösterdiği özen devam ettiği oranda, tek başına, iktisadî tedbirlerin plânlanan sonucunu verebilmesi güçleşecektir. Bu durumda iktisadî ve sosyal tedbirlerin birbirini bütünleyici özellik taşıması zarureti ortaya çıkmaktadır. Gelir farklarının bugünden yarına hemen azaltılmaya çağrı geliştiren ülkelerde, gösterişçi olmayan bir yaşama tarzına doğru, yaşama tarzları arasındaki farklılıkları azaltmaya yönelik bir yaygın eğitim politikasını da kapsayan sosyal tedbirlerin gerekliliği ortaya çıkmaktadır. Böyle bir politika ile toplumda rasyonel ve faydacı tutumların yerleşmesi hususunda olumlu sonuçlara varılabilir.

Sosyoloji Konferansları, sayı: 18

[Onsekizinci kitap] İstanbul-1980.

s. 115-125

[Prof. Dr. Cavit Orhan Tütengil'e

Armağan]

10.600

NAİMA'DA BÜYÜK ADAM SOSYOLOJİSİ

Dr. Zeki ARSLANTÜRK

Atatürk Üniversitesi İşletme Fakültesi Sosyoloji Kürsüsü

1 — Tavrılar Nazariyesi ve Büyük Adam

“Herhangi tâife haddinden tecavüz edüp namus-u ser’ ve tavr-ı akıldan hariç hareket ederse elbette gayret-i ilâhiye zuhur edüp, bir hâkim-i asrın şimşir-i kahr-ü tedbiri ile zelil ve mahkûm olurlar”¹.

İbn Haldun’dan mülhem olan Naîmâ’nın “Tavrılar Nazariyesi” hususundaki görüşlerini özetlersek: Naîmâ’ya göre siyasî teşekküller; devletler beş tavrı geçirirler. Kendi tabiri ile “her tavrın iktisası geçmiş bir tavra muhaliftir ve her tavrın kendisine mahsus bir fitratı mevcuttur.” İlk tavrıda devletin teşekkülüne, Devletin kuruluşuna; ikincide ise devlet sahibinin mutlaklığına, infiradına şahit oluruz. Üçüncü tavrıda mutlaklık vetiresi tamamlanmıştır. Devlet sahibi kendisini devletle bir sayıyor. Dördüncü devir bu halin istikrar bulduğu devirdir, fakat bu tavrın sonuna doğru çöküş de başlar. Nihayet beşinci tavrıda siyasî yapının yıkıldığı görülür. Bu tavrıların birincisinde fertlerin rolü, büyük adamların hizmet ve tedbiri mühimdir. Daha ziyade hâkim bir asabiyet namına hareket ederler. Kudretlerinin kaynağı mensup oldukları aşiret ve kabilelerin asabiyetidir. Diğer tavrıların mekanizması tabii bir kânun dahilinden işlediğinden fertlerin birinci derecede bir rolü yoktur. Mutlaklaşan hükümdarın bu infiradî hâdisâtın gidişi neticesidir. Fakat beşinci tavrıda bir “âkilin hüsn-ü tedbir”ine ihtiyaç

1) Mustafa NAİMA, Tarih, Matbaa-i Âmire Baskısı, İstanbul 1280, C. III, s. 125.

الاحد الثاني والعشرين من شهر ربيع الاخر من شهر سنة ست وعشرين ومائة والف ... وقد بدأ في ييلاق آذنه المسمى بالتركية قزل طاغ في شهر رجب المبارك من شهر سنة خمس وعشرين ومائة والف.

Nüshaları:

★ Bâyezid Umumî, nr. 4655: nesihle 40 yaprak, 12x21.5 (6x14.5) cm, 21 str. İstinsahı h. 1133 civarında. وكامل اختصار ذلك واقتصاره في قسطنطينية... في اول شهر ربيع الاول من شهر سنة ثلاثة وثلاثين ومائة والف.

★ Çorum, nr. 3021: nesihle 37 yaprak, 14.5x21 (8x14) cm 17 str. İstinsahı h. 1133'de İstanbul'da tamamlanmıştır.
★ Tal'at, Mecâmî, nr. 811/17: yap. 157b-196a, 13x18 cm, 'Alî b. Muḥammed al-Dağıştânî tarafından h. 1135'de istinsah edilmiştir. King, I, 564, II, 427.
★ Nuruosmaniye, nr. 2914/4: talikle yap. 48b-70b, 15x21.9 (6.6x15) cm, 21 str. İstinsahı Mustafa b. Bakr b. al-Hâcc İbrâhîm al-Adanavî tarafından h. 1136'da tamamlanmıştır.
★ Veliyuddin Efendi, nr. 3192/10: talikle yap. 95b-133b, 14x22.4 (7x14.5) cm, 23 str. Ferağ kaydı:

نقها حسن بن محمد سنة ١١٥٤.

yap. 133b'de Hacı Mehmed 'İşmat b. İbrâhîm b. Ḥasan al-İstanbulî'nin tashih ve mukabele kaydı vardır.

★ Çorum, nr. 2988/3: talikle yap. 23b-53b, 16.6x21.2 (9.2x15.5) cm, 23 str. İstinsahı Kızıldağ'da h. 1154'te tamamlanmıştır.

2. Risâla fî Fay' al-Zavâl (A):

رسالة في فيء الزوال

Güneşin zenit noktası ve zeval fey'inin başlangıcı hakkında küçük bir risâledir. Başı:

الحمد لله رب العالمين... اما بعد فيقول الفقير الى رحمة ربه الغني السيد عبد القادر بن عثمان الآدنى : قد اشار إلي بعض الافاضل من ساكني قسطنطينية... ان اكتب بعض ما يتعلق بمعرفة ظل غاية ارتفاع الشمس في كل يوم المسمى عند الفقهاء بفيء الزوال...

Nüshası:

★ Nuruosmaniye, nr. 2783/1: nesihle yap. 1b-6b, 12x17.5 (7x13.7) cm, 15 str. İstinsahı h. XIII. asırda.

250. 'ABDULMU'ŦÎ AL-SİMİLLÂVÎ (ölm. 1127/1715)

Bilhassa hadis, fıkıh ve fıkıh usûlü gibi dîni ilimlerde eserler veren XII./XVIII. asır âlimlerinden Mısır'lı 'Abdulmu'Ŧî b. Sâlim b. 'Omar b. al-Şiblî al-Simillâvî al-Kâdirî al-Azhari al-Miṣrî al-Şâfi'î'nin hayatına dâir pek bilgimiz yoksa da HA, I, 655'te h. 1127'de öldüğü söylenmektedir. Eserlerinden *Targîb al-Muṣṭak fî Ahkâm al-Talâk* ile *al-Bahcat al-Saniyya bi-Şarḥ al-Kaṣîdat al-Zaynabiyya* basılmıştır (Serkis, s. 1050-1051).

Yeni kaynaklarda zikredilen onbeş kadar eserinden başka, astronomiye dair *Risâla fî Husûf al-Kamar va Kusûf al-Şams va'l-Ra'd va'l-Zalzala va Dâ'irat al-Şams va Dâ'irat al-Kamar Va'l-Nayrûz (A)* (رسالة في خسوف القمر وكسوف الشمس والرعد والزلزلة) adlı yalnızca bir nüshası (دائرة الشمس ودائرة القمر والنيروز)

tesbit edilebilen bir eseri daha bulunmaktadır. Başı:

... وبعد فيقول... عبد المعطي السملالوي... رأيت مايتعلق بكسوف الشمس وخسوف القمر في الشهور العربية وما يتعلق بالرعد والزلزلة بدائرة الشمس ودائرة القمر بالنيروز فأحببت ان اعلقه في بعض ورقات خوف الضياع لما قيل ان ذلك منسوب لذي القرنين... فأقول قالت الحكماء اذا انكسف الشمس في شهر الحرم فان الخصب يكون كثيراً...

Nüshası:

★ Teymuriyye, Gaybiyyât, nr. 133: 19 sayfa, 22x14 cm. Tahminen h. 1200 civarında istinsah edilmiştir. King, I, 622, II, 763.

Bibliyografya: HA, I, 622; Kahhâla, VI, 177; Ziriklî, IV, 155; GAL, II, 420, S. II, 444

251. NA'İMA (ölm. 1128/1710)

Meşhur Osmanlı tarihçilerinden Mustafa Naimâ Efendi 1065 yılında Haleb'te doğdu. Genç yaşında İstanbul'a gelerek Sarây-ı Atık teberdarını ocağına girdi. Memleketinde başladığı tahsiline sarayda devam etti. Arapça ve din ilimlerinden başka edebiyat, astronomi ve bilhassa tarihe büyük ilgi gösterdi. Teberdaran ocağından Divan-ı Hümayun katipleri arasına geçti. Kalaylı-Koz Ahmed Paşa'nın divan efendisi oldu. Daha sonra, Amca-zâde Hüseyin Paşa ile tanıştı. Amca-zâde'nin yanında Menar-zâde Ahmed Efendi'nin yazdığı Osmanlı tarihi müsveddeleri vardı. Naimâ'yı henüz tertip edilmemiş ve temize çekilmemiş olan bu müsveddelere de dayanarak bir tarih yazmakla görevlendirdi. Bunun ardından 1700 yılı civarında Naimâ vakanüvis tâyin edildi. Amca-zâde'nin ölümünden sonra, yeni sadrazam Damad Hasan Paşa zamanında vakanüvisliğe ve tarihini yazmaya devam etti. Damad Hasan Paşa'dan sonra Kalaylı-Koz Ahmed Paşa sadrazam oldu (1116/1704). Eskidenberi Naimâ'yı tanıyan bu zat onu Anadolu muhasebeciliğine tâyin etti. Ve haccânlık rütbesi verdi. Naimâ 1118/1706 yılında gözden düşerek Hanya'ya sürgün edildi. Bir sene kadar sürgünde kaldıktan sonra itibarı iade olundu. Saray teşrifatçılığına tâyin edildi. 1124/1712 yılında Anadolu muhasebeciliğine getirildi. 1127/1715 yılında bu vazifeden azledildi. Mora'ya defter emini tâyin edildi. Bundan sonra pek yaşamadı. 1128/1716 yılında bu görevdeyken Mora'da Balya Badra (Palya-Patras)'da öldü.

Naimâ *Ravzat al-Ḥusayn fî Hulâṣat Ahbâr al-Hâfikayn* adlı tarihiyle meşhur olmuştur. Ayrıca, astronomiyi iyi bilirdi. Atâ Bey onun "ilm-i nücumda olan behresi cihetiyle emsâlinin istirkâbını davet ettiğini" söyler (*Tarih*, III, 37). Şehrî-zâde ise "cüziyyatta olan mahareti belâsı azil olundu" der (*Nevpeyda*, yap. 21a). Nitekim, Dâr al-Kutub'te Naimâ'ya âit *Mücerrebât-ı Naimâ* (T, مجربات نعيما) adlı astronomi ve astroloji karışımı bir mecmuasının yazması vardır. Başı:

فائده: كره أرضك اوزرنده هر قنغي بر نقطه ده فرض اولورسه اولسون ...

Nüshası:

★ Tal'at, Felek-Nücum, Türkî, nr. 39: rika ile yap. 1-4, 30x43 cm. Tarâzi, TY, IV, 22-23.

Bibliyografya: Cavid Baysun, *Naimâ* maddesi, IA, IX, 44-49.

Osmanlı astronomi literatürü tarihi= History of astronomy literature during the Ottoman period/haz. Ekmeleddin İhsanoğlu, Ramazan Şeşen, Cevat İzgi, Cemil Akpınar ve İhsan Fazhoğlu; editör Ekmeleddin İhsanoğlu.- İstanbul: İslâm Tarih, Sanat ve Kültür Araştırma Merkezi (IRCICA), 1997.

1.c. ON: 54015-1

For the earlier period he seems to have followed the common practice of using his predecessors; for the later period he relied mainly on firsthand evidence—his own experiences and the reports of old soldiers. But in addition to these more normal sources of information, Peçevi had the revolutionary idea of consulting the historians of the enemy. He was interested above all in military history and dwells lovingly on the details of the great battles fought in the plains of Hungary. But sometimes the Ottoman chronicles are lacking in detail, and so Peçevi had a recourse to the other side: "In our country" he says, "there are Hungarians without number able to read and write [he uses the Hungarian word *deak*, one able to read Latin]."⁵³ There were, no doubt, numerous Hungarians in the empire, either as captives or as converts to Islam, sufficiently literate for Peçevi's purpose. His procedure, it would seem, was to have Hungarian chronicles, presumably written in Latin, read to him and rendered into Turkish. He incorporated a number of passages in his own chronicle, among them accounts of the great battle of Mohacs and some other events in the Hungarian wars. Though he does not name his sources, two of them have been identified by modern scholars.⁵⁴ Peçevi seems to have been the first Ottoman historian to compare enemy accounts of battle with those of his own side and to weave them into a single narrative. In this he can have had few predecessors anywhere; he certainly had few successors for a long time.

Peçevi's chronicle includes several other references to events in Europe, mostly to those which have some Ottoman or Islamic concern. He speaks briefly of the joint French and Turkish naval operations against Spain in 1552 and has an account of the Morisco rising in Spain in 1568–1570. He has, of course, much to say about the wars on the frontier and also about the naval war in the Mediterranean against Venice and her allies. Occasionally, he even ventures away from the political and military matters which were the chief concern of most of the chroniclers. Thus he describes the introduction of tobacco to Turkey by English merchants and its consequences, and even gives brief accounts of the invention both of printing and of gunpowder in Europe.⁵⁵

Probably the most distinguished of the great series of Ottoman imperial histories is the *Tarih-i Naima*, covering the period from the year 1000 to the year 1070 of the Islamic era, corresponding to the years 1590 to 1660. Naima, who edited this history as well as writing a good deal of it, was one of the greatest of Ottoman historians. Unlike so many of his colleagues, who were mere chroniclers of events, Naima had a philosophical conception of the nature of history, and had

Bernard Lewis
 The Muslim Discovery of Europe
 New York - 1982, s. 164-166. DN: 1643

thought very deeply about it. One of the major themes of his history was the war in Europe, both in the Balkan peninsula and the Black Sea area. His account of these struggles is very detailed, and local European leaders in Hungary and Transylvania who were involved in these wars figure prominently. The Hapsburg emperor for the most part remains a vague, shadowy, and usually nameless figure, while the kings and kingdoms of the West hardly appear at all. Of the Thirty Years War in Germany, a central event in the period he covers and a major convulsion which should have been of direct concern to the Ottomans, Naima offers no more than a transcript of the earlier chronicles, copied so negligently that he refers to the Spanish King Philip IV as "still King of Spain at this time," a hundred years later. It is hardly surprising that he is even less interested in more remote events, such as the activities of Louis XIV and Richelieu in France or the civil war and commonwealth in England.

In one respect, however, Naima marks an interesting departure from the norms of Ottoman historiography—in his interest in the history of a more distant past and in his desire to draw parallels between past and current events. This is not entirely without precedent in Ottoman historiography. The sixteenth-century historian Kemalpaşazade, describing how Sultan Süleyman the Magnificent set forth in 1521 to do battle against the emperor, presented this as a kind of reprisal for the invasion of Asia Minor by medieval German Crusaders. Naima, writing in the early eighteenth century, when the Ottoman Empire was badly shaken by its defeats at the hands of Austria and Russia, tried to find comfort in the story of the early successes and final defeat of the Crusaders, centuries earlier.

"After six centuries of the Islamic era [Naima's chronology is slightly wrong], because there was no accord or agreement among the kings of Islam, strife and discord appeared, and while they were busy fighting each other, the French infidels and other kings of the infidels, and especially numberless soldiers sent from Austria [a curiously clumsy attempt to link the Crusades with the current Austrian wars] came with a great fleet to the shores of the Mediterranean and occupied them."

Naima goes on to describe how the victorious Franks were at first able to establish themselves along the Syrian and Palestinian coasts and even to threaten Damascus and Egypt. This danger was averted by Saladin, who held and confined them until they were eventually driven out by his successors, and "the pure lands which they had occupied were cleansed of their pollution." Naima seems to find guidance in this for the Ottomans in his own time. The medieval sultans

1-0 OCAK 1996

Değeri / Kıymet
Kütüphanede Mevcuttur

Ahmet Refik

53

17 TEMMUZ 1993

Yazarı: Ahmet Refik

MENFADA NAİMA EFENDİ

(HAZİNEİ EVRAK VESİKALARINA NAZARAN)

Enderun tarihini yazan Tayyazade Atâ Efendi Vak'anüvis Naimâ'nın nefyinden bahsederken diyor ki: "Teberdar Mehmed Paşa mumaileyhin ilmi nücumda olan behresi cihetile bazı zevata yazdığı zaiçeler emsalinin istirkabını davet üdîğinden mumaileyhi azil ve Gelibolu'ya nefi etmiş ise de sadrazamlar içinde sadrüssudur dinmeğe şayan olan kadirani maali nişan cennetmekân Çorlulu Ali Paşa'yı şehidin makamı sadareti teşriflerinde af ve itlak ile... [1].

Naimâ'nın nefyi hakkında Enderun tarihinde mevcut bu malûmat doğru degildir :

Baltacı'nın ilk sadareti 27 şaban 1116 dan, 19 muharrem 1118 tarihine kadardır. Çorlulu'nun sadareti de 19 muharrem 1118 den, 18 rebiulâ-hir 1122 tarihine kadardır. Halbuki Naimâ, evaili safer 1118 tarihinde, yani Çorlulu Ali Paşa sadarete geçtikten sonra nefyedilmiştir. Hattâ nefyi emri evaili rebiülevvel 1118 de te'kid de olunmuştur. Binaenaleyh Naimâ Efendi'yi nefyeden Çorlulu Ali Paşa'dır. Maamafih altı ay sonra evvelâ Bursa'da, badehu Âsitane'de ikametine müsaade eden de gene Çorlulu Ali Paşa'dır. Keza, Naimâ Gelibolu'ya nefyedilmemiştir, Hanya'ya nefyedilmiştir. Divanı Hümayun vesikaları bu hadiseyi sarahatle anlatıyor :

Çorlulu sadaret makamına geçtikten on on beş gün sonra, Hanya muhafızı esbak sadrazam Ahmet Paşa ile Hanya kadısına hitaben bir hüküm yazıldı. Bu hükümde şöyle deniyordu :

" Sabıkan veziriâzam olub hâlâ Hanya muhafazasında olan vezir Ahmed Paşa'ya ve Hanya kadısına hüküm ki :

Sabıkan Anadolu muhasebecisi olan Naimâ kendü halinde olmyub nefyü tağrib olunması iktiza itmekle tayin olunan Çavuş mübaşeretile Hanya'ya vardıkda cezire bend eyleyüb madamki fermanı hümayun sadır olmadıkca itlak olunmamak için yazılmışdır. Fi evaili Safer 1118,,

[1] Atâ, Enderun tarihi, c III, s 37.

Naimâ'nın suçu ne idi ? Buna dair bir şey denmiyor. Naimâ, bütün yazılarında devlet ricaline " Hıfzı lisan ,, tavsiye ediyordu : " Hafi olmya ki her asırda istikamet satub cümhura muhalefet iden, hususâ vüzeraya ve nazîl kavil vükelâya karşı koyanlar mansıbından mahrum ve mah-zun ve melûl olagelmiştir ,, diyen o idi. Fakat Naimâ, nefyolunurken yalnız değildi, Hamavî Ali Bey de beraberdi. O da Kıbrıs'a nefyedili-yordu. Divan'dan onun için de bir hüküm yazılmıştı. Fakat ne Naimâ, ne de Hamavî Ali Bey Boğaz Hisarları'ndan ileri gitmediler. Mes'ele Divan'a aksedince, her ikisinin de menfalarına serian götürülmeleri için şu hüküm yazıldı :

" Kıbrıs valisine ve Lefkoşe monlasına ve Boğaz Hisarları dizdarla-rına hüküm ki :

Hamavî Ali kendü halinde olmamağla bundan akdem Kıbrıs'a nefyolunmak üzere emri şerifim sadır olmuşiken mezkûr me'mur olduğu mahalle gitmeyüb hâlâ Boğaz Hisarları'nda meks idüb itaati emri şerif itmamekle siz ki dizdarlarsız emri şerifim vusulünde bu defa tayin olunan Çavuş mübaşeretile mezkûru me'mur olduğu mahalle nefi eyleyüp ve sen ki veziri müşarünileyh sin ve mevlânayı mumaileyh sin mezkûr oltarafa vardıkda Kıbrıs'da cezirebend idüb emri şerifim sadır olmadıkca itlak olunmamak babında fermanı âlişanım sadır olmuşdur deyu yazılmışdır.

Bir sureti dahi :

Sabıkan Anadolu muhasebecisi Naimâ için Hanya sancağı mutasar-rı veziriâzamı sabık Ahmed Paşa'ya ve Hanya kadısına ve Boğaz Hisarları dizdarlarına yazılmışdır.

Bu hükmün de bir tesiri olmadı. Aradan bir buçuk ay geçtiği halde Naimâ Efendi ile Hamalı Ali Bey hâlâ Boğaz Hisarı'nda idiler. Bu sefer kendilerini serian "me'mur oldukları mahalle,, yollamaları ve kendilerine terfik olunan iki Çavuş'un Boğaz Hisarı kalelerinden birinde kalebend edilmeleri için şiddetli bir hüküm yazıldı :

" Boğaz Hisarları dizdarlarına hüküm ki

Sabıkan Anadolu muhasebecisi olan Naimâ ile Hamavî Ali kendü hallerinde olmamalarile bundan akdem emri şerifimle mezkûr Naimâ Hanya'ya ve mezkûr Ali dahi Kıbrıs'a nefi olunmuşlar iken me'mur oldukları mahalle gitmeyüb Boğaz Hisarları'nda kaldıkları ihbar olunmağla imdi siz ki dizdarlar siz emri şerifim vusulünde yanlarına mübasir tayin olunan iki nefer Çavuşları Boğaz Hisar kalelerinin birinde kalebend idüb mezburları bu taraftan tayin olunan Çavuşlara teslim ve bir saat mukad-dem me'mur oldukları mahalle yollayub sonra dahi nefi ve kalebend

Tedhkire; Safāyī, *Tedhkire*; Belīgh, *Nukhbet el-āthār li-Dheyl Zūbdet el-esh'ār*; *Sheykhī*, *Wakāyī' el-fudalā*; *Sidjīll-i 'Othmānī*, iv, 529; *'Othmānī mü'ellifleri*, ii, 443-5; Müstedjābī-zāde 'İsmet, *Nā'īlī-yi Kadīm*, Istanbul 1318; idem, *Nā'īlī-yi Kadīm*, in *Khazine-yi funūn*, ii (1312), 320-3, 326-9 (*Eslāf*, no. 76); Mu'allim Nādjī, *Esāmī*, Istanbul 1308, 312-3; Hammer-Purgstall, *GOD*, iii, 467-9; Gibb, *HOP*, iii, 304-11; Th. Menzel, in *EP*, s.v. *Nā'īlī*; H. İpekten, in *İA*, s.v. *Nā'īlī*; A. Gölpınarlı, *Nā'īlī-i Kadīm*, Istanbul 1953; İ. Kutluk, *Nā'īlī-i Kadīm, hayatı ve eserleri*, Istanbul 1962; idem, *Nā'īlī-i Kadīm'in sanatı ve kişiliği*, in *Bellelen*, (1963), 269-305; H. İpekten, *Nā'īlī-i Kadīm divānı, edisyon kritik*, Istanbul 1970; idem, *Nā'īlī, hayatı, edebî kişiliği ve bazı şiirlerinin açıklamaları*, Erzurum 1987. Unpublished theses: H. Kayı, *Nā'īlī-i Kadīm divanının edition critique'i (tenkitli nesri)* (Istanbul 1941-2, *Türkiyat Ens.*, T 143); M. Merzifonluoğlu, *Nā'īlī-i Kadīm ve gazellerinin tetkiki* (Istanbul 1950-1, *Türkiyat Ens.* T 362; N. Vardarlı, *Nā'īlī divānı transkripsiyonu ve edisyon kritik*, (Ankara 1951, Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi). (E.G. AMBROS)

NA'ĪM AL-DĪN of Temesvár, Timișoara, Ott. Timișwar, TİMİŞWARĪ AL-HĀDĪDĪ İBRAHİM (1107/1695-?), Ottoman author, with the penname (*takhalluṣ* [q.v.]) Na'īm(ī).

Born in Timișwar [q.v.] as an offspring of a typical borderer family, he left his native town after the Habsburg conquest of 1716 and spent his further life in the service of high dignitaries (Muhsin-zāde 'Abd Allāh Pasha, Ghāzī al-Hādīdjī Husayn Pasha, Nā'īlī 'Abd Allāh Pasha) as *diwān kätibi*. Works: (1) *Hadīkatü'l-shühedā'*, finished in 1157/1744, but enlarged by an appendix (*dhayl*) of 1178/1764, is of a mixed character, containing a compilation of Qur'anic verses and traditions concerning the topics of *dihād*, *ghazā*, *shahāda* [q.v.], etc., illustrated by examples from the biographical literature on the Prophet and his Companions or from hagiographical sources, sometimes also from the local oral tradition of the Hungarian borderland; a survey of Ottoman history 1094-1157/1682-1744, based on Mehmed Rāshid's [q.v.] chronicle, but enlarged by references to historical events, based on eyewitnesses or on his own experience; biographical data on his chiefs; autobiographical notices; popular songs (*türkü* [q.v.]) of folk-minstrels (*'āshīk* [q.v.]) like Gewherī [q.v.] (elegy on the death of one of the author's ancestors, Ahmed Agha of Eger) and Derwīsh 'Ashīk Hasan (songs on the fall of Buda 1686 and Belgrade 1688 and the siege of Temeswar 1688-90); poems of his own; etc. (2) *Pend-nāme*, finished in 1182/1768, a short didactic *mathnawī* [q.v.].

Bibliography: Hammer-Purgstall, *GOR*, vii, p. vi; ix, 208; *Bosna ve Hersek wilāyeti sāl-nāmesi*, vii, Sarāy Bosna 1306/1889, 40-56; Babinger, 279-80; A.S. Levend, *Gazavāt-nāmeler ve Mihaloğlu Ali Bey'in Gazavāt-nāmesi*, Ankara 1956, 149-51; *Türkiye yazmaları toplu katalogu*, xxxiv/1, Ankara 1981, 111.

(M. KÖHBACH)

NA'ĪMĀ (1065-1128/1655-1716) Ottoman historian.

Muṣṭafā Na'īm, known by the *makhlaṣ* Na'īmā, was born in Aleppo, probably in 1065/1655, the son of a Janissary commander. As a young man he entered, ca. 1100/1688-9, the palace corps of *baltaçdār* [q.v.] in Istanbul and received a thorough scribal education, developing particular interests in literature, history and astrology. He may also have attended classes at the Beyazid mosque. Graduating from the *baltaçdār*

corps, he was apprenticed to the *kätibs* of the *diwān-i hümāyūn*, and appointed secretary to Kālaylīkoz Ahmed Pasha, also a former *baltaçdār*. He remained a member of the *diwān-i hümāyūn kätibleri* for the remainder of his career, serving in various administrative posts.

Sometime around 1110/1698-9, Na'īmā was commissioned by the Grand Vizier 'Amūdjā-zāde Husayn [Köprülü] Pasha [q.v.] to complete the Ottoman history left in draft form by the *müderriş* Shāriḥ al-Menār-zāde Ahmed Efendi (d. 1067/1657 (Na'īmā, *Tārīkh*, i, Istanbul 1281/1864, 10-11). His principal remuneration at this period was a daily wage of 120 *aḳçe* drawn upon the Istanbul customs revenues; this was augmented in the usual way by ad hoc gifts from the Grand Vizier as sections of the history were presented to him. Na'īmā's work on the history had probably ceased by the time of his appointment in mid-1116/late 1704 to the post of *Anadolu muhāsebedjisi*, with the principal scribal rank of *khwājegān* [q.v.] (Djemāleddīn, *'Othmānī tā'rīkh ve müverrikhleri (Ayīne-yi zurefā)*, Istanbul 1314/1896, 43).

Thereafter Na'īmā's career fluctuated. In 1118-9/1706-7, he was exiled from Istanbul by the Grand Vizier Çorlulu 'Alī Pasha [q.v.] (Ahmed Refik [Altınay], *Menfada Na'īmā Efendi*, in *TTEM*, v (1931), 52-5), probably because some of his astrological forecasts had offended certain powerful individuals. After his return he held simultaneously the posts of *teshrifātār* and *kalyonlar defterdārī*, and in 1124/1712 was again promoted to be *Anadolu muhāsebedjisi*. While still high in the favour of the Grand Vizier Dāmād 'Alī Pasha [q.v.], he was appointed *defter emīni* [q.v.] (1125/1713) and shortly thereafter *bash muhāsebedjisi*. However, rumours, spread maliciously, of his opposition to the same Grand Vizier's Morea campaign of 1714-15, resulted in temporary demotion to the post of *silāhdār kätibi* (Şafar 1127/March 1715). Restored for a third term as *Anadolu muhāsebedjisi* in mid-1127/June 1715, he was finally demoted later that year to the post of provincial *defter emīni* for the Morea, where he remained. Na'īmā died at Patras in 1128/1716, and was buried there. (The fullest original sources for Na'īmā's life are: Sālim, *Tedhkire*, Istanbul 1315/1897, 681-2; *Shehrī-zāde Sa'īd*, *Navpeydā*, Istanbul University Library ms. TY 3291, fols. 21a-22b, quoted in (Ṭayyār-zāde) 'Aṭā, *Tārīkh*, iii, Istanbul 1293/1876, 36-40; and the information given at various points by Na'īmā in the *Tārīkh*, for which see L.V. Thomas (ed. N. Itzkowitz), *A study of Naima*, New York 1972, *passim*.)

Na'īmā's reputation as a leading Ottoman historian rests upon his *Rawḍat al-Husayn fī khulāṣat aḳhbār al-khāfīkayn*, dedicated to 'Amūdjā-zāde Husayn Pasha, terminated ca. 1704, and known generally as *Tārīkh-i Na'īmā*. The work is a compilation in largely traditional, annalistic format, covering 1000-70/1591-1660, and including the by then customary obituaries of significant individuals. It contains almost all of Shāriḥ al-Menār-zāde's chronicle and was strongly influenced by the *Fedhīke* of Kätib Çelebi [q.v.]. Both independently and also through these two principal sources, the *Tārīkh-i Na'īmā* draws upon most of the major Ottoman histories of the late 16th and the 17th centuries, including those of Hasan Beg-zāde, 'Alī, Peçewī, Wedjīhī, and Kara Çelebizāde 'Abd ül-'Azīz, as well as many other lesser-known writers and some oral informants. Na'īmā's own comments and assessments appear regularly, particularly with regard to significant issues and where his sources conflict. A substantial introduction, setting out Na'īmā's views on history and

MÜVERRİH NAİMÂ HAKKINDA BİR ARŞİV BELGESİ

Fahri Ç. Derin

Mustafa Naîma Efendi, bilindiği gibi, 1655 (H. 1065) de Haleb'de doğmuş, genç yaşta İstanbul'a gelerek Saray'a intisâb etmiş, çeşitli ilimleri tahsil ederek kendisini yetiştirmiş ve 1700 yılında vak'anüvisliğe tayin edilmiştir. Mustafa Naîma Efendi, evvelâ, Sadriâzam Amca-zâde Hüseyin Paşa'nın arzu ve teşvikiyle, sonraları da Sadriâzam Dâmâd Hasan Paşa ve Kalaylıkoz Ahmed Paşa'nın himâyeleriyle meşhur târihini yazmış, Mora'da Defter Emîni iken 1716 (H. 1128) da Balya Badra'da vefât etmiştir.

Osmanlı müverrih ve vak'anüvisleri arasında, eserinin renkli ve akıcı üslûbu, hâdiselerin derinliğine nüfuz etmek isteyen mufassal malûmatı ile haklı ve itibarlı bir yer işgal etmiş olan Mustafa Naîmâ'nın, bu şöhretini, biraz da yararlandığı kaynaklara borçlu olduğu bilinmektedir. Bu kaynaklar arasında, hâdiselere karışmış ve onların iç yüzüne vâkif olan seçkin devlet ricâlinin sözlü ifâde ve sohbetleri ile bu gün bazısı elde bulunmayan Kâtib Çelebi, Peçuylu İbrahim, Vecihî, Şârihü'l-Menâr-zâde, Ma'n-oğlu, Kara Çelebi-zâde Abdülaziz Efendi ve Nişancı Abdurrahman Abdi Paşa gibi belli başlı müverrihlerin eserleri yer almaktadır¹. Yazılı kaynaklardan bir kısmının mevcut olmaması, bunlarla *Naîmâ Târîhi* arasındaki münâsebet ve istifade derecesinin kesin bir şekilde tesbitini imkânsız kılmaktadır. Büyük bir talihsizlik sayılabilecek bu eksikliğin, sebepleri olarak çeşitli ihtimaller

¹ Bu konu için bk. M. Cavid Baysun, *Naîmâ, İslâm Ansiklopedisi* (İstanbul 1964), c. IX, s. 44 v.d. Daha yeni bir araştırma için ayrıca bk. Lewis V. Thomas, *A Study of Naima*, edited by Norman Itzkowitz, New York 1972.

Güneydegi Avrupa araştırmaları, 2-3 (1993-4) s. 115-118, İstanbul

Dergi / Kitap
Kütüphanede Mevcuttur

11 226

ti Mektûbi Kalemide memuriyete başladı. Beykoz'daki Yuşa makamının onarımına düşürülen tarihin yanlışlığını düzelterek Keçecizâde Fuad Paşanın iltifatına erdi. Bir kaside yazarak Bağdat Evkaf muhasebeciliğine atanırsa da araya girenlerin etkisiyle tayin iptal edilir. 1863'te Ünye Tahrirat Başkâtipliğine atandı. Bir süre sonra istifa ederek Şam'a gitti, mektûbî kalemide müsevvitlik yaptı. 1865'te İstanbul'a döndü. Travnik Temyiz Meclisi ikinci reisliği, Çıldır Tahrirat müdürlüğü, Üçüncü Ordu baş kâtipliği, Çorlu, Firecik, Pınarhisar, Tavas, ve Yemen'de, Kevkeban, Kunfide kaymakamlıklarında bulundu. Burada vefat etti. İbnülemin, *Son Asır Türk Şairleri*'nde hakkında söylenenleri uzunca anlatmakta ve zekî, hiciveci, hileci, ele avuca sığmayan, ahlâken düşüktük, fakat sevimli, garip bir zât olduğunu belirtmektedir. Bazı şiirleri ve Nâmık Kemâl'in kendisine yazdığı bir mektup aynı kaynaktan yer almaktadır.

Kay.: DFSA 1/362-364; SATŞ, 2000, s.1484-1500; TDEA 6/503; TN 2/1085(4381); TŞA s.107. ∞ M. CUNBUR

NA'İM Mehmet(19.yy.): Şair. Eseri: *Mahsul-i Ömrüm* (Bursa 1304/1886).
Kay.: ÖBBŞKA 2/767. ∞ Yaz. Krl.

NA'İM, bk. **BABANZÂDE Ahmed Naim**

NA'İM Bey (?-1896): Şair, yazar. Arnavutluk'a bağlı Fraşer'de doğdu. Ünlü dil âlimi Şemseddin Sâmî'nin kardeşidir. İlk tahsilini memleketinde yaptı, daha sonra Yanya Rum Jimnazyasında okudu. Özel ders olarak Arapça ve Farsça öğrendi. İstanbul'da Maarif Nezareti Teftiş ve Muayene Encümeni üyeliği, ardından başkanlık yaptı. Bu görevi yürütürken vefat etti. Merdivenköyü Bektaşî Dergâhı kabristanında gömülüdür. **Eserleri/Şiir:** *Tahayyülât*, *Homér* (iki forması yayımlandı), *İhtiraât ve Keşfiyât* (1881), *Kavâid-i Fârisiyye ber Tarz-ı Nevin* (1872); *Suhanân-ı ber Güzide*. **Arnavutça basılı:** *Kerbela. İskender Bey, Yaz Çiçekleri, Eş'ar-ı Mütenevvia, Arnavutluk Tarihi* (yazma hâlinde).

Kay.: OM 2/469; TDEA 6/502; TN 2/1085(4382). ∞ Yaz. Krl.

NA'İM Hâzım, bk. **ONAT, Naim Hazım**

NA'İM Şaban (1935- 8.4.1961) Şair. Priştine'de doğdu. Savaş yıllarında geçen ilk ve orta öğreniminden sonra, lise öğrenimini yarıda bırakarak çalışmaya başladı. 1951'den itibaren Kosova'da öğretmenlik yaptı. 1958'de Üsküp'e yerleşti. Şiirleri ölümünden sonra Süreyya Yusuf tarafından 1966'da *Düşler* adlı bir kitapta toplandı.

Kay.: Ethem Baymak, *Naim Şaban- Hayatı ve Sanatı* (1988), H. Mercan, *Balkanlarda Çağdaş Türk Şiiri Antolojisi* (2000). ∞İ. IŞIK

NA'İMÂ (1655 - 1716): Tarih yazarı ve vak'anüvis. Halep'te doğdu. Asıl adı Mustafa Na'im olan Na'imâ'nın çocukluk ve gençlik yılları Halep'te geçti. *Na'imâ* mahlasını daha önceden almış olabileceği gibi, Divan-ı Hümâyûn kalemine intisabından sonra kendisine verilmiş olması da muhtemeldir. Devrine ilişkin belge ve tarihlerde her zaman bu mahlâsla anıldı. Rivâyete göre genç yaşında İstanbul'a gelen Mustafa Na'imâ, 1688 tarihinde Sarây-ı Atîk teberdârânı (baltacılar) ocağına intisab etti. Memleketinde öğrenime başlayan Mustafa Na'imâ Efendi saraya intisabından sonra tarih, edebiyat ve yıldızbilim konusundaki bilgilerini geliştirdi; böylece, kısa zamanda tanınarak itibar kazandı. Daha sonra aynı ocaktan yetişmiş olan Kayalılık Ahmed Paşaya intisap ederek, ona divan kâtibi oldu. Hayatının bu döneminde himayelerine mazhar olduğu meşhur şair ve reisü'l-küttâb Râmî Mehmed Paşa ile Rumeli Kazaskeri Yahya Efendi gibi devrin ileri gelenleri vasıtasıyla, ilim ve irfan erbabını himaye eden ve tarihe meraklı olan Amcazâde Hüseyin Paşa ile tanıştı ve teveccühünü kazandı. Hüseyin Paşa, Şârihü'l-Menârzâde Ahmed Efendinin yazmış olduğu tarihin elinde bulunan müsveddelerini, tasnif edip temize çekmesi ve bunları esas alarak bir Osmanlı tarihi yazması için Na'imâ Efendi'yi görevlendirdi. Na'imâ Efendinin 1700 ta-

19 HAZ 2006

Naïma

5386 - مصطفى نعيما بن محمد الحلبي. ثم الإستانبولي

العثماني المؤرخ المعروف بنعيما المتوفى 1715/1128

(أنظر : هدية العارفين 444/2 ؛ عثمانلي مولفاري 151/3 ؛

فهرس مكتبة قيصري راشد أفندي ص 301 ؛ فهرس سيف الدين

أوزاكه 295/2)

من تصانيفه :

1 - تاريخ نعيما = روضة الحسين في خلاصة أخبار الحافقين

(ت)

بايزيد رقم 4910-4909 جزء 1-2 ورقة 446+463 ،

1135 هـ راعب باشا رقم 996 ورقة 630 ؛ نورعثمانيه

رقم 3160 ؛ رقم 3161-3162 جزء 1-2 ؛ داماد زاده

رقم 1442-1443 جزء 1-2 ؛ رقم 1444-1445 جزء

1-2 ؛ عاطف أفندي رقم 1858 ؛ مراد ملا رقم 1421 ،

1422 ؛ روان كوشكي رقم 1171 ، 1172 ، 1174 -

1179 ؛ حميديه رقم 916 ؛ وفي مكاتب إستانبول نسخ أخرى

؛ طبع في إستانبول 1147 ، 1280 ، 1281 ، 1283 ؛

2 - ترجمة قره جليبي زاده عبد العزيز أفندي (ت)

رشيد أفندي رقم 2/992 ورقة 3 ؛

3 - ديباجه تاريخ نعيما (ت)

أسعد أفندي رقم 1/2067 ورقة 134 ؛

4 - ذيل تاريخ نعيما (ت)

أسعد أفندي رقم 2439 ؛

140064

NAÎMÂ

17 Martis 2015

ZAFER SÖĞÜT, Günümüze ulaşmayan İstanbul yapıları (Naïma tarihi verilerine göre bir inceleme), Marmara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2010

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

(TTM)-NAÏMÂ

Meteorology

NAÏMA, Mustafa. Luftsteine in der Steyer-
mark, gefallen i. J. 1618; aus der osmanischen
Reichsgeschichte Naimas, Band I. Seite 326
[GOW, 246,] übersetzt von J. v. Hammer.
Fundgruben des Orients 5 (1816), p. 163.

14 TEMMUZ 1992

9A 2 46 49

TTM

EN-NAÏMA

١٩٥١ ٥٤ الدارس في تاريخ المدارس للتيمي (الجزء الثاني) : بتحقيق
الأستاذ جعفر الحسني . عدد صفحاته ٨٣٢ صفحة

956.1073

NA.T

Naima, Mustafa Efendi

IRACA

(Tarih-i Naima; Ravdatu'l-Hüseyn fi hülasat
ahbar al-hafikeyn)

تاريخ نعيما : روفة الحسين في خلاصة

اخبار الخافقين / تأليف نعيما معطفى الهندى

ط ٣ - استانبول : مطبعة عامره ١٢٨١هـ

١٢٨٢هـ -

6 vol in 4; 22,5 cm.

1. History, Turkey - 1606 - 1774 2. History,
Ottoman Empire I. Author (Arabic) II. Title
III. Title: Ravdata'l-Hüseyn fi hülasat ahbar
al-Hafikeyn IV. Title (Arabic)

413

956.1073

NA.T

Naima, Mustafa Efendi

IRACA

(Tarih-i Naima; Ravdatu'l-Hüseyn fi hülasat
ahbar al-hafikeyn)

تاريخ نعيما : روفة الحسين في خلاصة

اخبار الخافقين / تأليف نعيما معطفى الهندى

ط ٣ - استانبول : مطبعة عامره ١٢٨١هـ

١٢٨٢هـ -

6 vol in 4; 22,5 cm.

1. History, Turkey - 1606 - 1774 2. History,
Ottoman Empire I. Author (Arabic) II. Title
III. Title: Ravdata'l-Hüseyn fi hülasat ahbar
al-Hafikeyn IV. Title (Arabic)

413

Naima (TTM)

19 HAZIRAN 1993

NAÏMA, Mustafa. Niklas Palffy nimmt Raab
(1598); herausgegeben und übersetzt von M.
Wickerhauser. Türkische Chrestomathie, pp.
51-53.

HAMMER, J.v. Asiatischer Uebersetzungsaus-
schuß: Review of Fraser's "Annals of the Tur-
kish Empire from 1591 to 1659, by Naima."
Jahrbücher der Literatur 61 (1833), 1-72.

- Naima

Ali Coşkun

Naima'nın Din ve Devlet Görüşü.
Erciyes Ün. İİ. Fak. Yök. Lis. Tezi 1990

18 MART 1991

- NAIMA

19 6 HAZİRAN 1992

NAIMA, Mustafa. Die Absetzung Ibrahim
Pascha's und das Wesirat Chadim Hasan
Pascha's, 1006/1597 [GOW, 245;] herausgege-
ben und übersetzt von M. Wickerhauser. Tür-
kische Chrestomathie, pp. 48-51.

COŞKUN ALI

140064 NAIMA

10 OCAK 1994

"Naima'nın Din ve Cemiyet Görüşü" Yayınlanmamış
Yüksek Lisans Tezi (Danışmanı Prof. Dr. Ünver GÜNAY)
Erciyes Üniversitesi İlahiyat Fakültesi İslam Medeni-
yeti ve Sosyal Bilimler Bölümü, Din Sosyolojisi, 1990
569 S.

140064 Naima

COŞKUN ALI

"Naima'nın Din ve Cemiyet Görüşü" Yayınlanmamış
Yüksek Lisans Tezi (Danışmanı Prof. Dr. Ünver
GÜNAY) Erciyes Üniversitesi İlahiyat Fakültesi
İslam Medeniyeti ve Sosyal Bilimler Bölümü, Din
Sosyolojisi, 1990 569 S.

06 HAZİRAN 1996

Muzaffer Atakan

NAİMA



21 KASIM 1997

Naima ~~Tarihi~~ Tarihi

Tarihîyat Enstitüsü, Tr. 39

Naima,

Les Penseurs de l'Islam,

C. I, s. 236-241.

181.2.

NAU-P.